



● اهمیت مطالعه برای زندگی

از آن جایی که یکی از مهمترین دغدغه های جوانان و مقام معظم رهبری در سوالاتشان پیرامون سبک زندگی، در رابطه با مباحث خانوادگی است، به این موضوع می پردازیم. ابتدا یک سؤال؛ اگر شخصی رانندگی ندادن و با ماشین، از اینجا به تهران برود، اگر سالم برسد، تعجب دارد یا تصادف کند؟ کسی که رانندگی نمی داند، طبیعی است که تصادف کند. حالا، سؤال این است که اگر انسان، پیچیده تر از ماشین است و یاد گرفتن ارتباط با انسان، سخت تر از رانندگی است، چگونه ما بدون هیچ علمی، توقع داریم، ازدواج کنیم و فرزند بیاوریم و خوشبخت هم بشویم؟ خُب با این وضع ازدواج، طبیعی است که انسان طلاق بگیرد. آمار طلاق، کاملاً نمایان گر همین بحث است که در سال گذشته، متوسط نرخ طلاق از هر ۲/۹ ازدواج، یکی به طلاق، رسیده است. یعنی اگر یک خانواده، ۳ فرزند داشته باشد، طبیعتاً یکی باید طلاق بگیرد. تازه این آمار، جدای از طلاق های پنهان است (طلاق های عاطفی). خیلی از افراد بخاطر بچه هایشان، طلاق نمی گیرند. پس باید انسان، کمی درباره ی مسائل خانوادگی مطالعه کند. یکی از نکاتی که در آیات و روایات ما اشاره شده است و بعضی از کج اندیشان، آن ها را به عنوان تبعیض بین زن و مرد در اسلام می گیرند، این است که زن و مرد، در خلقت شان، تفاوت های ساختاری دارند. این تفاوت ها، باعث می شود، در بعضی از موارد، بین زن و شوهر، اختلافاتی بوجود آید که اگر زن و مرد، بدانند که این اختلاف نظرها و ساختارها را دارند، دیگر مشکلی ایجاد نمی شود.

حالا، چند نمونه را ذکر می کنیم (البته در کتاب های اسلامی و غربی هم می توانید تفاوت های زن و مرد را بیابید. مثلاً کتاب مردان مریخی و زنان ونوسی یا کتاب های آقایان مظاهری و عباسی و دهنوی):

تفاوت در ارتباط چشمی:

مردها معمولاً ارتباط شان، با گوش صورت می گیرد اما، معمولاً خانم ها، ارتباط شان را با چشم برقرار می کنند. یک از اختلافاتی که در زندگی، اتفاق می افتد به همین دلیل است. مثلاً «زن در حال صحبت کردن و مرد، در حال تماشای تلویزیون است. زن، اعتراض می کند که چرا به من توجه نمی کنی؟ مرد می گوید: من متوجه ام. زن می گوید: پس چرا نگاه نمی کنی؟». طرف مقابل زن، حتماً باید به او نگاه کند تا احساس کند که به او توجه شده است. اما مرد، چنین روحیه ای ندارد. شما اگر در یک ماشین بنشینید که دو آقا، در حال صحبت کردن هستند، متوجه می شوید که آن دو، اصلاً به یکدیگر، نگاه نمی کنند (یکی مشغول رانندگی و دیگری نیز به جلو، نگاه می کند). اما اگر دو خانم در حال صحبت کردن با هم باشند، می بینید که دائماً رو به هم نگاه می کنند زیرا خانم ها احساس می کنند که اگر به یکدیگر نگاه نکنند، اصلاً صحبت نکرده اند. با این توضیح، هم مرد، باید دقت کند که به همسرش نگاه کند و هم زن، که اگر مرد به او نگاه نکرد، معنی اش آن نیست که به او توجهی ندارد، بلکه ساختارش اینگونه است. به همین جهت، در مراسم روضه، ما باید سخنران را در قسمت خانم ها بگذاریم زیرا آقایان، نیازی به دیدن سخنران ندارند.

تفاوت در مهارت های عملی و ذهنی:

خانم ها، با دو نیمکره ی مغزشان، و آقایان با یک نیمکره، صحبت می کنند. یعنی؛ توجه خانم ها همه جا هست، اما آقایان فقط به یک جا می توانند توجه کنند. مثلاً «شما در حال رانندگی هستید و خانم با فرزندتان صحبت می کند. یکدفعه شما، مسیر را اشتباه می روید. خانم می پرسد: چرا اشتباه می روی؟ شما می گوید: بخاطر اینکه زیاد حرف می زنید». اگر خانم، حین رانندگی با تلفن همراه، صحبت کند، خطری ندارد اما اگر آقا صحبت کند، بسیار خطرناک است، زیرا در یک زمان، دو کار، نمی تواند انجام دهد.

تفاوت در حوزه ی دید:

حوزه ی دید مرد، مستقیم است اما حوزه ی دید زن، به اطراف است. شما در تصادف، دقت کنید؛ معمولاً آقایان، به کناره و خانم ها مستقیماً به ماشین جلویی می زنند. از اول خلقت نیز، همینطور بوده است. زمانی که انسان در غار زندگی می کرد. چون مرد برای شکار می رفت، به دید مستقیم، نیاز داشت اما زن برای اینکه در خانه بچه اش را نگه دارد و به دیگر کارها برسد، دید کنار لازم داشت. خُب حالا اختلاف کجا ایجاد می شود؟ مثلاً «آقا از خانم می پرسد: جوراب هایم کجاست؟ خانم می گوید: برو داخل اتاق، داخل کمد، کشو دوم، گوشه سمت چپ. معمولاً آقا می رود و می گوید: نبود. خانم، با عصبانیت می گوید: بیا، بگیر، تو چرا نگاه نمی کنی؟ پس چه وقت می خواهی برای زندگی اهمیت قائل شوی؟». در صورتی که این موضوع، هیچ ارتباطی به زندگی ندارد و فقط، مرد، نمی تواند به حواشی، توجه کند و به صورت مستقیم می بیند.

تفاوت در دید کلی نگر و جزئی نگر:

خانم ها، جزئی نگر هستند. مثلاً «اگر از شما که چند ده جلسه است که به مسجد می آید، سؤال کنند: که قالی های مسجد چه رنگی بود؟ شما نتوانید جواب دهید و اصلاً توجه نداشتید. اما خانم ها، شاید رنگ قالی های قسمت آقایان را نیز بدانند».

تفاوت در ارتباط های غیر کلامی:

چند سال پیش دانشمندان، تحقیقی را انجام دادند؛ ۱۰ بچه را از بیمارستان آوردند (بچه ها گریه می کردند) و از یک گروه مرد، پرسیدند: علت گریه چیست؟ همه گفتند: مادرشان را می خواهند. از خانم ها که پرسیدند، گفتند: آن یکی گرسنه است، آن یکی مریض است و... زن ها هر کدام حالات را تشخیص می دهند. خُب در زندگی، مرد وارد خانه که می شود، مستقیماً می گوید: سرم، درد می کند. اما خانم ها موقعی که سر درد دارند، دائماً به پیشانی خود، دست می کشند. مرد می پرسد: چرا اینکار را می کنی؟ زن م گوید: واقعاً نمی فهمی که سرم درد می کند. خانم توقع دارد که مرد، متوجه شود، اما او متوجه نمی شود (آقا



مستقیم بیان و می کند و خانم، غیر مستقیم). خانم، تصور نکند که مرد، به او بی محلی می کند، این ساختارِ مرد است و ارتباطِ او از طریقِ کلام است، یعنی؛ باید به او بگویید. اما خانم ها، نیاز به گفتن ندارند. آقایان نیز کمی توجه کنند و در این مباحث، ریزبین تر شوند.

تفاوت در طولِ جملات:

آقایان، جملاتِ بسیار کوتاه و خانم ها، جملاتِ بسیار بلندی دارند. اگر می خواهید این موضوع را بینِ آقا و خانم، بررسی کنید، بهتر است، افرادی را پیدا کنید که آقا و خانم، هر دو نویسنده باشند، مانند جلالِ آل احمد و شمیمِ دانشور. پاراگراف های کتاب های جلال، معمولاً به نیم صفحه نمی رسد. اما شمیمِ دانشور، کمتر از ۷-۸ صفحه، پاراگراف ندارد. خانم ها مثلاً وقتی می خواهند یک جریان را تعریف کنند، از یک سال قبل از آن را شروع می کنند. یا مثلاً «شما، یک ماه مسافرت بوده اید. وقتی به خانه می رسید، خانم می گوید: چه خبر؟ شما می گوید: سلامتی و می پرسید: شما چه خبر؟ خانم، یک ماه را دقیقاً برای شما تعریف می کند». خانم ها طبقِ آمار، معمولاً ۳ برابرِ مردان، در شبانه روز صحبت می کنند. در زمانِ پیامبر نیز می بینیم که ایشان با همسرانِ شان زیاد صحبت می کنند.

تفاوت در علتِ استفاده کردنِ از ارتباطِ کلامی:

خانم، با هدفِ برقراریِ ارتباط، حرف می زند. اما آقا بخاطرِ حلِّ مسئله ارتباط می گیرد و حرف می زند. این مورد، اگر دقت نشود، خیلی در زندگی، مشکل ساز می گردد. مثلاً «خانم، می گوید: در حالِ سوار شدن به اتوبوس بودم که چادرم به در گیر کرد. مرد می گوید: چند بار گفتم، مراقب باش. زن می گوید: در خیابان، راه می رفتم که یکدفعه، پایم پیچ خورد. مرد می گوید: چند بار گفتم، کفش

باشنه بلند، پایت نکن. ناگهان، زن می گوید: چه کسی به تو گفت حرف بزنی. چه کسی از تو نظر خواست؟». خانم، برای برقراریِ ارتباط صحبت می کرد و مرد برایِ تمام کردنِ بحث و ارائه ی راهکار.

تفاوت در استفاده کردنِ از لغات و کلمات:

خانم ها، معمولاً از کلماتِ عاطفی، استفاده می کنند. اما آقایان، از کلماتِ منطقی و عقلی استفاده می کنند. به همین خاطر، سخنران هایی که عقلایی صحبت می کنند، برای مردها، جذابیتِ بیشتری دارند و سخنران هایی که احساسی، سخن می گویند، برای خانم ها. مثلاً شما می بینید؛ دو سخنران، که در یک زمان و در یک مکان، سخنرانی داشته اند(شهید مطهری و دکتر شریعتی در حسینیه ی ارشاد)، یکی برای آقایان(شهید مطهری) و دیگری (دکتر شریعتی، چون احساسی صحبت می کرد) برای خانم ها جذابیتِ بیشتری دارد. ما نیز، به خانم ها، سفارش می کنیم که در جلساتِ خواستگاری، اجازه ندهید که فضا، احساسی شود، که اگر اینگونه شد، شما ضرر می کنید.

تفاوت در مسائلِ زناشویی:

در روایات داریم که به مردها گفته شده است: مانند الاغ نزدیکی نکنید، بلکه اول باید ملاعبه و همراهی باشد زیرا در مردها، این مسئله، به سرعت و در خانم ها به آرامی اتفاق می افتد.

این ها، تفاوتِ ساختاریِ بینِ خانم ها و آقایان است. نه می تواند خانم، مثل آقا شود و نه بر عکس. این دو، مثلِ چرخ دنده اند که باید در یکدیگر جای بگیرند، لازم نیست که مانند هم باشند. تفاهم، این نیست که زن و مرد، هر دو یک رنگ را دوست داشته باشند یا یک طور لباس بپوشند. دشمن این ها را با هم، جابجا می کند. ببینید الان، چقدر عوض شده است و خانم ها کارهای آقایان و آقایان، کارهای خانم ها را انجام می دهند.

نکته برای خانم ها

سعی کنید، شوهرتان را تربیت نکنید. مردان، در دورانی که امکانِ تربیتِ شان بود، بوسیله ی مادر، تربیت شده اند. حالا دیگر، حکمِ مادر، برای همسرانتان نداشته باشید. اکثری اختلاف ها در زندگی، از همین روحیه ی زن، نشأت می گیرد. اما ممکن است خانم ها بگویند: پس، چه کنیم؟ آیا باید مرد، با همین، رفتارهای غلط، بماند؟ شما یا باید، عادت های غلطِ همسران و یا اختلافِ همیشگی در زندگی را تحمل کنید. انسان عاقل، موردِ اول را تحمل می کند(مثلاً آقا، جای که می خورد، استکانِ چای را نمی شوید). خُب این، بهتر از این است که زندگی تان را خراب کنید، البته آقایان نیز، دقت کنند که نظم را در زندگی شان رعایت کنند.